

سارق مسلح که از بانکی در مشهد ۴۰ میلیون تومان سرقت کرده بود، بازداشت شد.

سردار احمد ننگهان، جانشین فرمانده ارشد انتظامی خراسان رضوی در این باره به سایت پلیس گفت: ساعت ۱۲:۲۰ هفتم شهریور امسال، موتورسیکلتی مقابل بانک سپه خیابان شهید مطهری توقف کرد. بعد از آن مردی که ماسک زده و کلاه برسر داشت، وارد شعبه شد. او در حالی که اسلحه

دستگیری

سارق مسلح بانک

در دست راست و کیفی در دست چپ داشته به سمت اولین متصدی بانک رفته و از او خواست پول ها را در آن بگذارد. سارق چهار دقیقه‌ای در بانک بود. او با تهدید کارکنان بانک ۴۰ میلیون تومان سرقت کرده و متواری شد.

وی افزود: متهم پس از این‌که متوجه شد در تعقیب پلیس آگاهی قرار دارد، در چند نوبت مخفیگاه خود را تغییر داد، اما در نهایت پلیس با اشراف میدانی و تسلط اطلاعاتی، سارق

۱۰ ملوان ایرانی با پیگیری سفیر ایران در آفریقای جنوبی آزاد شدند

روایت ۱۹ ماه اسارت در موزامبیک



اینا حسین زاده دبیر گروه حوادث

در حالی که دستگاه قضایی کشور موزامبیک ۲۴ سال زندان برای ۱۰ ملوان ایرانی که حدود دو سال پیش و ناخواسته وارد آب‌های سرزمینی این کشور شده بودند، تعیین کرده بود، با تلاش‌های سفارت ایران در آفریقای جنوبی، همگی آزاد شده و به ایران بازگشتند. این اتفاق در حال رخ داد که همچنان یک گروه ۱۲نفره از میدان ایرانی از سال ۱۳۹۸ همچنان در اسارت موزامبیک هستند و منتظرند تا دولت ایران مسیر آزادی آنان را نیز فراهم کند. با ندیم بلوچ زهی، ناخدای کشتی الرحمان که چند روز پیش آزاد شد، گفت‌وگویی انجام دادیم و او از ۱۹ ماه اسارت دردو زندان موزامبیک و سختی‌های آن برای جام جم توضیح داد.

[۱] اجرای حکم ۲۴ سال زندان در کشور موزامبیک در یک قدمی‌تان بود. فکرش را می‌کردید دوباره رنگ آزادی را ببینید؟

خیر. اصلاً. به خواب هم نمی‌دیدیم آزاد شویم. اولین کاری که پس از ورود به کشور کردیم، بوسیدن خاک ایران بود. سفیر ایران، معاون و دستیار معاون برای آزادی و رفاه ما خیلی زحمت کشیدند.

[۲] از ۱۹ ماه پیش بگویند که با اسارت پلیس موزامبیک در آمدید.

من نخدای لنج بودم و همراه با ۹ صیاد ایرانی و یک تبعه بیگانه از کنارتک برای صید ماهی به سمت آب‌های سومالی حرکت کردیم. چون ماهی در آنجا کم بود، به سمت آب‌های کنیا و یکی از جزایر نزدیک رفتیم. روز سی‌ونهم سفرمان بود که گیربکس لنج خراب شد. در تماس با ایران درخواست کمک کردیم که یکسری راهنمایی کردند و انجام دادیم، اما کارساز نبود. کم‌کم آب ما را به سمت موزامبیک و تانزانیا هدایت کرد. برای ۲۵ روز آب و غذا برداشته بودیم اما سفرمان ناخواسته سه ماه طول کشید.

[۳] برای تامین آب و غذا چه کار کردید؟
جیره‌بندی، روزی یک لیوان آب می‌خوریدم و هر ۱۱ نفرمان یک کنسرو لوبیا استفاده می‌کردیم. برنج و آردمان هم تمام شده بود. وقتی به سمت آب‌های موزامبیک کشیده شدیم، چون کمی انگلیسی بلد بودم با بی‌سیم از پلیس این کشور درخواست کمک کردم و از قایق‌های بومی هم خواستیم تا موضوع ما را به پلیس اطلاع دهند. پلیس آمد و ما را به بازداشتگاه برد. سه روز بعد چند سرهنگ نیروی دریایی آمدند و ما را سؤال و جواب کردند که هل کدام کشور هستیم و چطور وارد اینجا شدید. گفتیم ایرانی هستیم و به خاطر خرابی گیربکس لنج به سمت آب‌های موزامبیک کشیده شدیم. رفتند نگاه کردند و دیدند دروغ نمی‌گوییم.

[۴] پس با چه اتهامی شما را به بازداشتگاه بردند؟

پلیس با این‌که ماهی‌ها را دیده بود، اما به ما اتهام زد که برای داعشی‌ها اسلحه آورده‌اید. گفتیم ما لنج و مجوز و نامه ایران را داریم و ماهیگیر هستیم، چطور ممکن است اسلحه حمل کنیم اما قبول نمی‌کرد. پلیس که کارتهای بانکی‌مان را دیده بود،

گفت از کارتهایمان پول برمی‌داریم. با افرادتان در ایران تماس بگیرید تا برایتان پول بفرستند. آنها از ما ۱۵ هزار دلار می‌خواستند و می‌گفتند این پول را بدهید تا شما را به کشورتان برگردانیم. با ارباب تماس گرفتم و موضوع را گفتم. گفت صدور ویزا و پاسپورت حداقل دو هفته زمان می‌برد و به این سرعت نمی‌توانم. روز بعد ما را به زندانی در استان «تن پولا» فرستادند که وضعیت آنجا خیلی بد بود.

[۵] شرایط زندان و رفتار زندانبانان با شما چطور بود؟

یک اتاق شش در چهارم‌تر بود که ۲۰۰ نفر کنار هم می‌خوابیدیم. نفس کشیدن سخت بود. یک سرویس بهداشتی و حمام داشت که همه از آن استفاده می‌کردیم. غذای زندان آرد ذرت با کمی آب

یک روستا در جست‌وجوی علی کوچولو

جست‌وجوهای مردم و نیروهای هلال احمر قلعه‌کنج کرمان برای یافتن ردی از کودک چهارساله گم‌شده در محله فرج‌آباد ادامه دارد، اما هیچ ردی از پسر بچه به‌دست نیامده‌است. ۴۸ ساعت از گم شدن علی چمنی در محله فرج‌آباد قلعه‌کنج کرمان می‌گذرد. تمام محله برای پیدا کردن پسر چهارساله دست به دست هم داده و جست‌وجوها را آغاز کرده‌اند، اما هیچ ردی از پسر بچه به دست نیامده و خانواده نگران فرزند دل‌بندشان هستند.

پدر علی در گفت‌وگو با خبرنگار جام‌جم در تشریح ماجرا گفت: صبح جمعه همراه فرزندم به خانه آمدم تا درختان را آب بدهم. پسرم از من خواست که نزدیک دیوار بلند خانه منتظر بمانم تا با مادرش داخل بیاید. من هم به حیاط رفته و شروع به آبیاری درختان کردم. پنج دقیقه بعد مادرش داخل آمد و در حیاط را بست و من فکر کرده علی همراه اوست. چند دقیقه بعد به داخل خانه رفتم و سراغ علی را

محمد غمخوار دبیر گروه حوادث



تمام گرفتیم که مادرش گفت همراه تو بود. تمام این مدت شاید ۱۰ دقیقه هم طول نکشید و هراسان بیرون آمدم و دیدم علی در کوچه نیست. وی با بیان این‌که فکر کردیم او به خانه اقوام رفته‌است، گفت: تمام محله با هم آشنا و فامیل هستند و هیچ سابقه گم‌شدنی نداشتیم. به خانه تمام اقوام سرزدیم اما اثری از پسر چهارساله‌ام نبود. ساعت ۹ صبح موضوع را به پلیس و هلال احمر گزارش کردیم و با تمام‌الهالی به جست‌وجوی پسر پرداختیم. جست‌وجوها تاکنون به نتیجه نرسیده‌است. مردم محله با نیروهای

هلال احمر و جب به وجب محله و بیابان‌های اطراف را گشتند. هیچ ردی‌خونی به دست نیامد و حتی تمام چاه‌های آب باز را جست‌وجو کردیم اما علی داخل آنها نبود. این محله فقط سگ دارد و حتی در محل تجمع آنها هم ردی

به دست نیامد. پدر نگران ادامه داد: صبح دیروز در اداره آگاهی مفقودشدن پسرم را ثبت کردیم. با توجه به این‌که هیچ ردی از علی به‌دست نیامد، احتمال می‌دهیم او رفته باشد. به همین خاطر از پلیس آگاهی قلعه‌کنج درخواست کمک و موضوع را به آنها گزارش کردیم. نیروهای هلال احمر روز جمعه از ۹ صبح تا ۱۱ شب در جست‌وجوی پسرم بودند. روز شنبه هم تا ساعت ۱۱ ظهر جست‌وجوهای خود را انجام داده و بعد محله را ترک کردند. او به وضعیت روحی خود و همسرش اشاره کرد و گفت: از صبح جمعه

خانواده و اقوام یک لحظه آرام ندارند و نگران سرنوشت علی هستیم. امیدواریم هلال احمر و پلیس به کمک ما بیایند تا یک بار دیگر فرزندانم را در آغوش بگیریم. مادرش بسیار بی‌تاب و چشم‌انتظار علی چهارساله است.

را در محل و زمانی که فکر نمی‌کرد در حالی دستگیر کرد که ۴۰ میلیون تومان پول سرقتی موتورسیکلت، ماسک و کلاهی که استفاده کرده بود، ضبط شد. متهم به سرقت اعتراف کرده و تحقیقات از او ادامه دارد.

متهم در بازجویی هاگفت: کیسه پول ها را به خانه بردم و شب شروع به شمارش آن کردم. فکر می‌کردم ۲۰۰ میلیون تومان دزدیده‌ام اما بعد متوجه سرقت ۴۰ میلیون تومان شدم.



پرونده مقصران حادثه مرگبار آتش سوزی در اردوگاه تفریحی شهید باهنر تهران که باعث مرگ دو بیمار مبتلا به اوتیسم شده بود بعد از کش‌وقوس‌های فراوان با صدور جلب به دادرسی برای محاکمه آنها به دادگاه ارسال شد.

مقصران حادثه مرگبار اردوگاه پای میز محاکمه

پرونده مقصران حادثه مرگبار آتش سوزی در اردوگاه تفریحی شهید باهنر تهران که باعث مرگ دو بیمار مبتلا به اوتیسم شده بود بعد از کش‌وقوس‌های فراوان با صدور جلب به دادرسی برای محاکمه آنها به دادگاه ارسال شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ماجرای این آتش سوزی مرگبار بعدازظهر هفدهم مهر سال ۹۹ زمانی رقم خورد که تعداد زیادی از بیماران مبتلا به اوتیسم از مؤسسه خیریه صابربین بهشت یاسین برای تفریح به اردوگاه تفریحی شهید باهنر تهران، در خیابان قضیه در شهید باهنر(نیاروان) پایتخت رفته بودند. محل حادثه ساختمان یک‌طبقه‌ای به وسعت حدود ۴۰۰ متر با چند اتاق بود. ۱۴ نفر از این بیماران که همگی پسر بودند همراه یک مربی در یکی از اتاق‌ها اسکان یافتند که سانی بعد دود و آتش اتاق را فراگرفت.

دقایقی بعد آتش نشانان با حضور در محل، ۱۳ نفر را که دچار دودگرفتگی شده بودند، نجات دادند اما یک نفر از آنها جان باخت. همچنین پسر ۱۹ ساله دیگری هم دچار سوختگی بالایی شده بود که بعداز۱۰ روز بستری بودن تسلیم مرگ شد. با شکایت خانواده بیماران و دو قربانی این حادثه، پرونده‌ای در شعبه دهم دادرسی جنایی تهران تشکیل و تحقیقات ادامه یافت. در ادامه تحقیقات معلوم شد آتش سوزی بر اثر انفجار وسایل داخل اتاق رخ داده و این حادثه مرگبار رقم خورده است. مدیر وقت اردوگاه شهید باهنر، مدیرعامل مرکزی که بیماران مبتلا به اوتیسم را برای تفریح به اردوگاه برده بود و سه مرد مربی که آنها را همراهی کرده بودند قصورهایی در این ماجرا داشتند و پرونده علیه آنها تشکیل شد. بعد از کش‌وقوس‌های چندساله سرانجام هیات هفت نفره کارشناسی که موضوع این حادثه و مرگ و بیمار را بررسی کردند، نظر دادند که مدیر وقت اردوگاه شهید باهنر، مدیرعامل مرکز و سه مرد مربی مقصران مرگ آن دو بیمار هستند. علاوه بر این، این هیات خانواده بیماران را هم مقصر دانست که نباید اجازه می‌دادند آنها به این

اردو بروند، بازرس پس از بررسی پرونده، نظریه کارشناسان در ارتباط با متهمان پرونده را قبول کرد اما مقصر بودن خانواده‌ها را درست ندانست. با پایان یافتن تحقیقات، سرانجام بعد از چهار سال کیفرخواست پرونده صادر شد. امیرحسین علیمردان، بازرس شعبه دهم دادرسی جنایی تهران با تأیید این خبر به جام‌جم گفت: برای مقصران این حادثه مرگبار، اتهام تشبیب در قتل غیرعمدی در نظر گرفتیم و پرونده آنها با صدور جلب به دادرسی به دادگاه ارسال شد.



انکار قتل در نزاع خیابانی

پسر جوان که متهم است در جریان درگیری دسته‌جمعی مرتکب قتل شده، در دادگاه منکر اتهامش شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، اردیبهشت‌ماه سال گذشته و با گزارش درگیری دسته‌جمعی در محله خلیج‌فارس، تحقیقات جنایی آغاز شد. بررسی‌ها نشان داد در این درگیری پسری به نام اشکان در جریان دعوا با دو موتورسوار با ضربه چاقو مجروح شده و در بیمارستان جان باخته بود.

متهمان به نام‌های پوریا و جواد دستگیر شدند که شاهدان پوریا ۲۵ساله را به عنوان قاتل معرفی کردند. پرونده این جنایت با تکمیل تحقیقات برای محاکمه به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد و متهمان در شعبه پنجم دادگاه کیفری به دفاع از خود پرداختند. در این جلسه اولیای دم برای قاتل درخواست قصاص کردند. سپس پوریا در جایگاه ایستاد و گفت: روز حادثه همراه دوستانم برای تفریح سوار موتور شده و بیرون رفتم، اما در راه باگشت اشکان و دوستانش که سوار موتور بودند، جلوی راهمان را گرفته و دعوا راه‌انداختند. وسایط کردم و از جواد خواستم آنجا راترک کنیم. یک ساعت بعد متوجه شدم به خاطر حاشی جواد و اشکان و دوستانش آنها دوباره قرار دعوا گذاشته بودند. وقتی به محل رسیدیم، اشکان و برادر و دوستانش به سمت ما حمله کردند. آنها قمه داشتند. با برادر اشکان درگیر شدم، اما در یک لحظه دیدم او غرق در خون روی زمین افتاد. ندیدم که کسی به او ضربه زد. شرکت در دعوا را قبول دارم اما ضربه‌ای به مقتول نزدم. بی‌دلیل مرا بازداشت کردند. در ادامه جلسه، دیگر افراد حاضر در نزاع، اظهارات متناقضی را مطرح کردند و قضات به بازبینی فیلم درگیری پرداختند اما قتل پشت خودرویی اتفاق افتاده بود و دوربین‌ها آن صحنه را نگرفته بودند. با توجه به نقص تحقیقات، پرونده برای رفع ابهامات به دادسرا بازگردانده شد.